

تاز علامه‌ی حلّی

ابوالحسن شعرانی

مقایسه‌ای بین شروح تجرید الاعتقاد

دکتر فضل‌اله خالقیان

مدرس دانشگاه و مرکز تربیت معلم شهید مفتح (شهر ری)

چکیده

در این مقاله دو شرح مهم و نام آشنا بر «تجرید الاعتقاد» خواجه‌ی طوسی، به همراه نگاهی به احوالات دو شارح این کتاب، موضوع بحث و بررسی است. نخستین، شرح از علامه حلّی موسوم به «کشف المراد» است و دیگری شرح علامه شعرانی با عنوان «ترجمه و شرح فارسی». در این میان «کشف المراد» هم به لحاظ سبق و تقدم و هم به دلیل رازگشایی‌هایش که راه را در فهم اثر سترگ خواجه هموار ساخته، بسیار حائز اهمیت است. شرح علامه شعرانی هم از آن سبب که برای فارسی‌زبانان پنجره‌ای روشن به سوی اندیشه‌های کلامی خواجه باز کرده است، جایگاهی شایسته دارد. هر چند شرح مرحوم شعرانی وام‌دار شرح علامه حلّی است، اما به مواضعی از نقادی‌ها و اظهارنظرهای عالمانه‌ی ایشان در شرح فارسی اشاره شده است که مزایای آن را بر شمرده ایم.

کلید واژه‌ها: تجرید الاعتقاد، خواجه‌ی نصیرالدین طوسی، کشف المراد، علامه حلّی و علامه شعرانی.

- موضوع سخن پیرامون شروحي است که بر اثری سترگ از دانشمندی بزرگ، یعنی تجرید الاعتقاد اثر خواجه نصیرالدین طوسی، نوشته شده است. از زمان تألیف این کتاب، شروح متعددی بر آن نگاشته شده که نشان‌دهنده‌ی اقبال جامعه‌ی علمی مسلمانان - اعم از شیعه و سنی - از این کتاب کم‌حجم ولی پرمغز و پرمحتواست. این شروح عبارت‌اند از:
۱. «کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد»، از جمال‌الدین حسن بن یوسف بن مطهر معروف به «علامه حلّی».
 ۲. «شرح تجرید»، از شمس‌الدین محمود بن عبدالرحمن بن احمد اصفهانی متوفی در ۸۴۶ ق که به «شرح قدیم» شهرت دارد. سید شریف جرجانی بر آن حاشیه‌ی بزرگی دارد و در «کشف الظنون» بیش از ۲۰ حاشیه بر آن شمرده شده است.
 ۳. «شرح تجرید قوشچی» از علاء‌الدین علی بن محمد متوفی به سال ۸۷۹ ق، که فردی فاضل و معروف بود و در علوم ریاضی نیز یدی طولی داشت. این شرح به «شرح جدید» معروف است و از حواشی آن، یکی شرح فاضل دوانی، متوفی به سال ۹۰۷ ق و دیگری شرح میر صدرالدین محمد شیرازی متوفی به سال ۹۳۰ ق است.
 ۴. از دیگر شروح تجرید، شرح ابی عمر و احمد بن محمد المصری متوفی به سال ۷۵۷ ق است.

علامه

کرد. آنان را نصیحت و هدایت می‌کرد و خود به ترویج دین شیعه و شرح کتب فلسفه و ریاضی پرداخت. آن‌گاه رصدخانه‌ای در مراغه ساخت و تاریخی به نام ایلخانی تألیف کرد. او در آخرین سفری که در سال ۶۷۲ با جمعی از شاگردانش به بغداد رفت، بیمار شد و همان‌جا درگذشت. طبق وصیتش وی را در کاظمین پایین پای دو امام بزرگوار به خاک سپردند (رک: شعرانی، بی تا: ۱۵-۱۴ و طوسی، ۱۳۷۳: ۱۰-۹).

نوشته‌ها و آثار بسیاری برای این محقق بزرگ ذکر شده که بیش از ۱۲۰ جلد و بنا بر نقلی بیش از ۱۸۰ جلد است [طوسی، ۱۳۷۳: ۱۰]. تجرید الاعتقاد، تذکره در هیئت، تحریر کتاب اقلیدس، تحریر مجسطی، شرح اشارات، فصول نصیریّه و نقدالمحصل از جمله‌ی این آثارند [علامه حلی، ۱۳۶۳: ۱].

شرح حال علامه حلی

جمال‌الدین حسن بن یوسف بن علی بن مطهر معروف به «علامه حلی» در ۱۹ رمضان سال ۶۴۸ تولد یافته است. آوازه‌ی او بیشتر از آن است که محتاج به توصیف باشد. در میان اهل نظر، به ویژه در حوزه‌های علمیه‌ی شیعه، هرگاه «علامه» به طور مطلق گفته شود، منظور اوست. نزد استادان فراوانی تلمذ کرده است که از میان آن‌ها، والدش سدیدالدین یوسف، دایی اش محقق حلی، و نیز کسانی چون محقق طوسی (خواجه نصیر) و کمال‌الدین میثم بن علی بحرانی را می‌توان نام برد.

علامه حلی مؤلفات و مصنفات فراوان دارد. او در رشته‌های گوناگون آثاری ارزشمند به جا گذاشته است که می‌توان از بین آن‌ها «تذکره الفقهاء و مختلف الشیعه» در فقه و «شرح تجرید» در علم کلام را نام برد. وی در سفری که به دارالسلطنه‌ی اولجایتو (سلطانیه‌ی زنجان) ایلخان مغول انجام داد، با علمای دیگر مذاهب اسلامی بحث کرد و حقانیت تشیع را به اثبات رساند. همین امر موجب گرایش سلطان محمدالجایتو به تشیع شد.

رحلتش در ۱۱ محرم ۷۲۶ واقع شده و در جوار امیرالمؤمنین (علیه السلام) در نجف به خاک سپرده شده است (رک: شرح تجرید و شعرانی، بی تا: ۱۶ و علامه حلی ۱۳۶۳: ۲).

شرح حال علامه شعرانی

علامه میرزا ابوالحسن شعرانی، فرزند حاج شیخ محمد، در سال

۵. شرحی از خضر شاه بن عبداللطیف المنتسوی متوفی به سال ۸۵۳ ق.
۶. شرحی از قوام‌الدین یوسف بن حسن معروف به «قاضی بغداد»، متوفی به سال ۹۲۲ ق.
۷. شرحی به نام «تسدید النقائد فی شرح تجرید العقائد» که نام مؤلف آن ذکر نشده است.
۸. شوارق الالهام اثر «ملا عبدالرزاق لاهیجی» متوفی به سال ۱۰۵۱ ق که از دقیق‌ترین شروح تجرید است.
۹. ترجمه‌ی تجرید و شرح فارسی آن به قلم آیت الله شیخ ابوالحسن شعرانی متوفی به سال ۱۳۵۲ ش که آن را در سال ۱۳۵۱ ش (۱۳۹۲ ق) به نگارش درآورده است.

از میان این شروح و حواشی متعدد، نخستین و آخرین شرح یعنی کشف المراد از علامه حلی و شرح فارسی شیخ ابوالحسن شعرانی، موضوع بررسی و مقایسه‌ی این نوشتار هستند. پیش از مقایسه‌ی این دو شرح توضیحاتی مختصر پیرامون شرح حال مؤلف و دو شارح گران قدر خواهیم داشت.

علامه حلی مؤلفات و مصنفات فراوان دارد. او در رشته‌های گوناگون آثاری ارزشمند به جا گذاشته است که می‌توان از بین آن‌ها «تذکره الفقهاء» و «مختلف الشیعه» در فقه و «شرح تجرید» در علم کلام را نام برد

شرح حال خواجه نصیرالدین طوسی

او در جمادی‌الاول سال ۵۹۷ در طوس به دنیا آمد. نام پدرش محمد بن الحسن الطوسی بود. نام خود او نیز محمد، کنیه اش «ابوجعفر»، و ملقب به «نصیرالدین» بود. گویند اصلاً از جهرد ساوه بوده، اما در طوس متولد شده است. در عقلیات شاگرد فریدالدین داماد و او شاگرد سید صدرالدین سرخسی و او شاگرد افضل‌الدین و او شاگرد ابوالعباس لوکوی و او شاگرد بهمینار و او شاگرد ابوعلی سینا بوده است. در شرعیات نیز شاگرد پدر بزرگوار خود و او تلمیذ امام فضل‌الله الراوندی و او شاگرد سید مرتضی علم‌الهدی بوده است. و در ریاضیات هم شاگردی یونس موصلی کرده است و او در کلیه‌ی علوم زمان به درجات عالی نائل آمد.

خواجه نصیر به خاطر آن‌که مورد خشم و غضب ناصرالدین عبدالرحیم بن ابی منصور، محتشم قهستان و از امرای اسماعیلیه قرار گرفته بود، مدتی در قلاع اسماعیلیه محبوس بود. در آن ایام، بیشتر تحریرات ریاضی و شرح اشارات و اساس الاقتباس را نوشت. بالاخره در حدود سال ۶۵۴ با پیروزی هلاکوخان بر اسماعیلیان و فتح قلاع اسماعیلیه نجات پیدا کرد. البته گرفتار دربار هلاکوخان مغول شد، ولی از آن فرصت به خوبی استفاده

۱۳۲۰ ق در تهران متولد شد. قرآن و تجوید و عربی را نزد پدر بزرگوارش و الفیه و شاطبیه در قرائت و پاره‌ای از دروس حوزوی را در مدرسه‌ی «فخریه»، معروف به مدرسه‌ی «خان مروی» فراگرفت. بیشتر علوم عقلی را نزد حکیم میرزا محمود قمی متخلص به «رضوان»، فقه را نزد شیخ آقا بزرگ ساوجی و علوم ریاضی، اعم از هیئت، نجوم، اسطرلاب، استخراج از زیج و غیر آن را نزد پدر خود و میرزا حبیب‌الله مشهور به «ذوالفنون» خواند.

وی مدتی در آغاز تأسیس حوزه‌ی علمیه‌ی قم، نزد آیت‌الله حائری، مؤسس حوزه و حاج عبدالنبی نوری به ادامه‌ی تحصیل پرداخت، اما بعد از ارتحال پدر خود، در سال ۱۳۴۶ ق به نجف اشرف رهسپار شد. وی علاوه بر سید ابوتراب و رضوان از محضر شخصیت‌هایی هم چون میرزا طاهر تنکابنی، حکیم هیدجی، میرزا مهدی آشتیانی، شیخ مسیح طالقانی، حاج آقابزرگ ساوجی، ادیب لواسانی، شیخ محمدرضا قمشه‌ای، میرزا علی اکبر یزدی و میرزا حبیب‌الله بهره جست.

برخی از شاگردان ایشان عبارت‌اند از: آیت‌الله میرزا هاشمی آملی، استاد میرجلال‌الدین محدث ارموی، آیت‌الله حسن زاده‌ی آملی، آیت‌الله سید رضی شیرازی، آیت‌الله جوادی آملی، آیت‌الله محمد حسن احمدی فقیه یزدی، دکتر طبرستانی، دکتر مهدی محقق و مرحوم استاد علی اکبر غفاری.

این دانشمند فرزانه در شب یکشنبه هفت شوال ۱۳۹۳ ق (۱۲ آبان ۱۳۵۲) در بیمارستانی در شهر هامبورگ آلمان زندگی را بدرود گفت. چند روز بعد جنازه‌ی ایشان به تهران منتقل شد و در جوار حضرت عبدالعظیم حسنی (ع)، روبروی باغ طوطی، در مقبره‌ی خانوادگی زمردی به خاک سپرده شد [روزنامه‌ی ایران، ۱۳۸۷].

معرفی اجمالی تجریدالاعتقاد

اما کتابی که متن اصلی کلام را در نگارش خواجه نصیر تشکیل داده و موسوم به تجریدالاعتقاد است و در این نوشتار به بررسی شروح آن پرداخته‌ایم، کتابی است قلیل‌اللفظ، کثیرالمعنی و عظیم‌المنزله. با نگارش این کتاب علم کلام کاملاً زنگ فلسفی به خود گرفت [مطهری، ۱۳۸۵: ۱۹۴]. از این نظر می‌توان آن را نقطه‌ی عطفی در علم کلام اسلامی به‌شمار آورد.

بهترین دلیل بر عظمت این کتاب استقبالی است که دانشمندان اسلامی، اعم از شیعه و سنی از آن به عمل آوردند. این اثر، همواره در حوزه‌های علمی جزو کتاب‌های اصلی کلام بوده و مورد تدریس و تدرّس قرار گرفته است. در این جا به عنوان شاهی بر مدعا سخن زیر را از قلم قوشچی که خود از شارحان تجرید و از عالمان اهل سنت است، می‌خوانیم:

«ان کتاب التجرید الذی صنفه المولی الاعظم قدوة العلماء الراسخین اسوة الحکماء المتألهین نصیرالحق و الملة و الدین تصنیف صغیر الحجم و جیز النظم فهو کثیر العلم جلیل الشأن حسن النظام مقبول الاثمة العظام لم ینظر بمثله علماء الاعصار [شعرانی، بی تا: ۱۲].»

کتاب تجرید از آثار مهم اعتقادی مسلمانان است که متأسفانه به علت سنگین بودن متن آن و اختصار معماگونه‌ای که در آن به کار رفته، دست بسیاری از دامانش کوتاه شده است و امثال شرح شعرانی میوه‌های این درخت پربار را در دسترس عموم علاقه‌مندان قرار داده‌اند

قطعاً کتاب تجرید که توسط مولای اعظم، پیشوای علمای راسخ، اسوه‌ی حکیمان الهی، یاور حق و آیین دین تصنیف شده است، کتابی است با حجم کم و نظمی فشرده، در عین حال با علم فراوان و شأنی باشکوه و نظامی نیکو که در نزد پیشوایان بزرگ (علم) مقبولیت یافته است و دانشمندان اعصار گوناگون نظیر آن را پدید نیاورده‌اند.

نکته‌ای در این قسمت، جای بحث دارد که مربوط به نام این کتاب است. بنابر آن چه مرحوم شعرانی در مقدمه‌ی شرح خود آورده است: «نام کتاب در غالب تصانیف تجریدالکلام ضبط شده است، اما چون شرح علامه حلی قدس سره، کشف‌المراد فی شرح تجریدالاعتقاد است و ما به این شرح عنایت تام داشتیم، در همه جای کتاب تجریدالاعتقاد آوردیم» [شعرانی، بی تا: ۱۱].

آیت‌الله حسن زاده‌ی آملی در مقدمه‌ی تحقیقی که بر کشف‌المراد نگاشته است، از قلم مرحوم آقابزرگ طهرانی صاحب «الذریعه» نام کتاب را «تحریر العقائد» ذکر کرده است، ولی از آن جا که علامه حلی، شارح کتاب که تلمیذ مستقیم خواجه و معاصر با وی بوده و شرح خویش را «کشف‌المراد فی شرح تجریدالاعتقاد» نامیده، همین نام را برگزیده است. البته غیر از علامه افراد دیگری هم چون شمس‌الدین اسفراینی نیز از همین اسم به عنوان اثر خواجه نام برده‌اند [علامه حلی، ۱۴۲۲ ق: ۲۱].

کتاب تجرید خواجه مشتمل بر شش مقصد است. مقصد اول در امور عامه که مباحث وجود و عدم، ماهیت و لواحق آن، و علت و معلول را در برمی‌گیرد. مقصد دوم، در مورد جواهر و اعراضی است که در ضمن آن از اجسام و احکام آن و جواهر مجرده و اقسام اعراض سخن به میان آورده است. مقصد سوم، در اثبات صانع تعالی و صفات و افعال اوست. مقصد چهارم، به نبوت و مقصد پنجم، به بحث امامت اختصاص یافته است. سرانجام در ششمین مقصد هم به موضوع معاد پرداخته شده است.

معرفی اجمالی کشف المراد

در عظمت این شرح همین بس که گفته اند: «ولولا شرحه لما شرح هذا المتن» [همان، ص ۳] و شارح قوشچی گفته است: اگر کشف المراد نبود، ما مراد تجرید الاعتقاد را فهم نمی کردیم [همان، ص ۵]. بنابراین کشف المراد از وجوه متعددی بر سایر شروح ارجحیت دارد. نخست آن که

کشف المراد از وجوه متعددی بر سایر شروح ارجحیت دارد. نخست آن که شارح علامه ی آن خود تلمیذ مصنف بوده است و دیگر آن که اولین شرح تجرید به شمار می رود

شارح علامه ی آن خود تلمیذ مصنف بوده است و دیگر آن که اولین شرح تجرید به شمار می رود.

دیگر آن که بر سایر شروح حق تقدم دارد و همان طور که متذکر شدیم، راه ها را برای فهم این کتاب شریف هموار کرده و درک آن را برای دیگران آسان ساخته است. با این حال در مواردی شارح علامه خود در مورد فهم مراد خواجه اظهار تردید می کند و شرح خویش را مقرون با احتمال بیان می کند.^۱

شیوه ی علامه در شرح تجرید بدین صورت است که سخن خواجه را با کلمه ی «قال: ...» ذکر کرده و سپس با آوردن کلمه ی «اقول: ...» شرح خود را بر آن سخن نگاهشته است. و در هر جا که لازم بوده، به تاریخچه ی موضوع مورد بحث نیز اشاره کرده است. همین کار باعث شده که کشف المراد علاوه بر بیان مقصود تجرید، کلیات مباحث علم کلام را نیز در برداشته باشد. برای مثال در ذیل بحث از جزء لایتجزأ که خواجه آن را نفی می کند، علامه به اقوال گوناگونی که در مورد حقیقت جسم وجود دارد، اشاره می کند. براساس این شرح دو عقیده ی کلی در این باب وجود دارد: یک نظر این که جسم، مؤلف از اجزای لایتجزأست و قائلین به این نظر برخی این اجزا را منتهای و عده ای نامتنهائی دانسته اند. نظر دیگر این که جسم فی نفسه امری بسیط و متصل است که قابلیت انقسام دارد. معتقدین به این نظریه نیز دو دسته شده اند؛ عده ای این انقسام پذیری را منتهای و برخی نامتنهائی دانسته اند [همان، ص ۲۲۲].

در این جا یک نمونه از شرح علامه بر سخن خواجه را که می تواند نمایانگر نحوه ی بیان و قلم شارح باشد ذکر می کنیم. خواجه در ابتدای مقصد پنجم که به بحث امامت اختصاص دارد، می گوید: «الامام لطفٌ فیجب نصبه علی الله تحصیلاً للغرض» [همان، ص ۴۹۰].

علامه در شرح این موضوع چنین می فرماید: «مردم در این جا اختلاف کرده اند. اصم از معتزله و جماعتی از خوارج، قائل به نفی وجوب نصب

امام گشته اند و باقی از مسلمانان) معتقد به وجوب آن اند. اما این ها نیز خود اختلاف کرده اند: جبائیان (ابوعلی جبائی و ابوهاشم جبائی) و اصحاب حدیث و اشاعره گفته اند: نصب امام واجب سمعی است نه عقلی. و ابوالحسین بصری و بغدادیون (معتزله ی بغداد) و امامیه گفته اند: عقلاً واجب است. این ها نیز خود اختلاف کرده اند؛ امامیه قائل اند که نصب امام بر خداوند متعال واجب است، اما ابوالحسین و بغدادیون گفته اند: بر عقلاً واجب است و مصنف (خواجه نصیر) بر وجوب نصب امام بر خداوند متعال به این استدلال کرده که (وجود) امام لطف است و لطف واجب است. اما صغرای استدلال در نزد عقلا معلوم و روشن است، زیرا ضرورتاً معلوم است که چنان چه اگر عقلا دارای رئیسی باشند که آنان را از سلطه جویی بر یکدیگر باز دارد و از معاصی دور سازد و راه طاعات را برایشان هموار کند و آنان را به انصاف و عدالت برانگیزد، چنین حالتی به صلاح حال نزدیک تر و از فساد دورتر است. و این مطلب امری ضروری است که هیچ عاقلی در آن شک نمی کند. و اما کبرای استدلال پیش از این شرحش گذشت» [پیشین].

ابوالحسن

معرفی اجمالی شرح شعرانی

از ویژگی های این شرح آن است که به زبان فارسی نگاهشته شده و از این نظر فارسی زبانان و کسانی را که با زبان عربی آشنا نیستند، در استفاده از این کتاب ارجحند دستگیری می کند. به همین دلیل مرحوم شعرانی را به گردن این دسته از معرفت جویان حق بزرگی است. کتاب تجرید از آثار مهم اعتقادی مسلمانان است که متأسفانه به علت سنگین بودن متن آن و اختصار معماگونه ای که در آن به کار رفته، دست بسیاری از دامانش کوتاه شده است و امثال شرح شعرانی میوه های این درخت پربار را در دسترس عموم علاقه مندان قرار داده اند. با نگاهی به مقدمه ی شرح می توان دریافت که سوز دینی و اصلاح اجتماعی و اعتقادی شارح را به این اقدام واداشته است:

واجب است مسلمانان همه ی مطالب اصول دین را از روی دلیل بدانند، اما واجب نیست همه ی مسائل فروع را بدانند. اگر کسی نداند شفعه چیست و کجا ثابت می شود یا نداند عینه در ربا جازز است، به دین او ضرر ندارد. اما اگر نداند خدا عادل است یا امام معصوم است و قولش حجت است، دین او را ضرر دارد. زیرا که وقتی امام را معصوم

ندانست و خدا را عادل نشمرد، به فرمان معصوم عمل نمی کند و به ثواب خدا هم اطمینان ندارد؛ همه ی اعمال او متزلزل می گردد [شعرانی؛ بی تا: ۸].

در این کتاب نیز سخنان خواجه (متن عربی کتاب تجرید) به صورت جمله یا یک بند می آید و پس از آن به فارسی شرح داده می شود. شروع در مواردی کوتاه و گاه همراه با تفصیل و نسبتاً طولانی هستند. از ویژگی های

واجب است مسلمانان همه ی مطالب اصول دین را از روی دلیل بدانند، اما واجب نیست همه ی مسائل فروع را بدانند

این شرح آن است که در مواردی از خطوط و اشکال برای تفهیم مطالب استفاده شده است، در حالی که در شرح علامه چنین مواردی یافت نمی شود. برای مثال، در بحث نفی جزء لایتجزی، در صفحات ۱۷۳ تا ۱۷۶ از اشکال استفاده شده است. هم چنین در مبحث علت دو بینی احوال، در صفحه ی ۲۷۷ نیز شکل هایی به کار رفته است.

با این حال نباید فراموش کرد که اتکای اصلی مرحوم شعرانی در سامان دادن این شرح، بر کشف المراد علامه بوده است و خود ایشان در مقدمه به این مطلب اذعان داشته اند: «... و چون در این شرح عنایت تام به شرح علامه رحمه الله علیه داشتیم و شاید آن چه از آن اقتباس شده، بیش از ثلث محتویات کتاب ماست، اشاره به نام آن مرد عظیم می شود» [همان، ص ۱۵].

ولیکن باید اعتراف کرد که شارح، خود نیز اهل نظر و اطلاع بوده و به همین دلیل مطالبی در کتاب است که از عمق اطلاع و بصیرت ایشان حکایت می کند. نکاتی که شارح در مبحث احکام ممکن بیان می کند، بهترین شاهد بر این مدعا می تواند باشد. خواجه در این مبحث می گوید: «و لهذا جاز استناد القديم الممكن الى المؤثر الموجب لو مكن ولا يمكن استناده الى المختار.» بر مبنای این سخن اگر خداوند متعال موجب مضطر در فعل و آفرینش) باشد، می توان امر ممکن (عالم) را قدیم فرض کرد، ولی نمی توان مخلوق قدیم را به خدای مختار نسبت داد. توضیحاتی که شارح در این قسمت می آورد حاکی از دقت نظر و احاطه ی ایشان بر مباحث کلامی و فلسفی است که عیناً آن را از نظر می گذرانیم:

«باید دانست که نمی توان مختار بودن خداوند تعالی را دلیل حدوث عالم شمرد و ساحت مقدس خواجه علیه الرحمه و شاگرد عظیم الشأن او علامه حلی رحمه الله منزّه است از این که چنین مغالطه در کتاب آورند و بخواهند حدوث عالم را به دلیل مختار بودن پروردگار ثابت کنند. مقصود بیشتر علمای کلام از اثبات حدوث عالم اثبات وجود پروردگار است ناچار

تا حدوث عالم را برای کسی ثابت نکرده باشند، او به خدای مختار و غیرمختار معتقد نیست و برای اثبات حدوث عالم نمی توان گفت: عالم اگر قدیم باشد، خدای تعالی مختار نخواهد بود. چون فکر خواهد گفت، من هنوز به خدا معتقد نشده ام. و این مغالطه را مصادره بر مطلوب گویند. بلکه مقصود خواجه در این باب بحث از وجود مطلق و احوال آن است نه از جهت دین. و این مسأله نظیر مسائل اصالت وجود یا ماهیت و محال بودن واسطه میان وجود و عدم و جزء لایتجزی و تقسیم موجود به جوهر و عرض و غیر آن می باشد و اتفاقاً بعضی از این مسائل در مبادی اصول دین واقع می شود.^۳

به این ترتیب شرح مرحوم شعرانی، شرحی مفید و ممتنع است و به سبب جامعیتی که ایشان در علوم معقول و منقول داشته و تبحری که در زمینه ی حکمت و کلام توأمان از آن برخوردار بوده است، خواندن و درس گرفتن این شرح می تواند حاوی مزایای کشف المراد و اضافاتی بر آن باشد. به علاوه، برای کسانی که به طور تخصصی علم کلام را دنبال می کنند و از مقدمات هم بی بهره نیستند، می تواند شروع خوبی برای ورود به مطالعه ی متن عربی و شرح گران قدر علامه حلی باشد.

پی نوشت

۱. برای مثال، در بحث تناهی اجسام بعد از آن که مفصلاً در مورد سخن خواجه توضیح می دهد، در پایان می فرماید: فهذا ماخطر لنافی معنی هذا الکلام: این چیزی است که در شرح معنای این کلام به ذهن ما خطور کرده است. این جمله بیان می دارد که علامه در این مورد و مواردی چند از این دسته خود را به طور قطع در مراد خواجه موفق و مصیب ندانسته است [ر. ک: علامه حلی، ۱۴۲۲ ق: ۲۵۶].
۲. در ارزش این شرح همین بس که آیت الله حسن زاده ی آملی در مقدمه ی تحقیق کشف المراد از این شرح چنین یاد می کند: فقد شرح آخر الامر التجريد بالفارسیته شرحا مجددا کثیرالجدوی جداً و هو مطبوع مستفاد. کشف المراد.
۳. شرح تجرید شعرانی، ص ۸۲، البته این دقت نظرها در جای جای کتاب مشاهده می شود. برای نمونه می توان به صفحات ۲۲۴ و ۳۹۱ به بعد مراجعه کرد.

منابع

۱. اوصاف الاشراف. خواجه نصیرالدین محمد طوسی. به اهتمام سید مهدی شمس الدین. سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. چاپ سوم. تابستان ۱۳۷۳.
۲. الجوهر التصید. علامه جلال الدین حسن بن یوسف حلی. انتشارات بیدار. ۱۳۶۳.
۳. روزنامه ی ایران. سال چهاردهم. شماره ی ۴۰۸۵.
۴. شرح تجرید الاعتقاد. شیخ ابوالحسن شعرانی. کتاب فروشی اسلامیة.
۵. کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد. علامه حلی. مؤسسه النشر الاسلامی. ۱۴۲۲ هـ. ق.
۶. کلیات علوم اسلامی. استاد مرتضی مطهری. انتشارات صدرا. چاپ دهم. ۱۳۸۵.